

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه باقر العلوم

پایان نامه دکتری

رشته:

مدرسی معارف گرایش انقلاب اسلامی

عنوان:

# بررسی انتقادی جریان التقاطی حلقه کیان و بازتاب‌های آن در عرصه سیاسی جمهوری اسلامی ایران

استاد راهنما:

**دکتر محمدجواد نوروزی**

استاد مشاور:

**دکتر احمد رهدار**

نگارش:

**سید حامد طاهری**

شهریور 95

## قدردانی و سپاس

از همه کسانی که مراد تکمیل این رساله یاری کردند تشکر و قدردانی می کنم، به ویژه از:

○ استاد راهنمای گرامی جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر محمد جواد نوروزی که با وجود مشغله

زیاد، همواره به گرمی پذیرای حقیر بودند.

○ استاد مشاور محترم جناب حجت الاسلام و المسلمین آقای دکتر رهدار که در پذیرش مشاوره بنده را

یاری فرمودند.

○ همچنین از خانواده عزیزم که با صبوری و ممانت مراد انجام این تحقیق یاری کردند تشکر و قدر

دانی می کنم.

## تقدیم به:

ربیع الانام و نضرة الایام امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف.

آفتاب لطفت را بر ما تاب و از ما روی مگردان و بردعای ما که «اللهم عجل لولیک الفرج» است آمین

بگو.

«یا ایها العزیز متنا و اهلنا الضرو جننا یضاعة فرجاة فاوف لنا الکیل و تصدق علینا...»

ما را به جز تو در همه عالم عزیز نیست - اگر رد کنی بضاعت فرجات و قبول

## چکیده

در این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی تأثیرات سیاسی جریان التقاطی حلقه کیان در جمهوری اسلامی ایران پرداخته شده است. حلقه کیان محصول تفکری التقاطی در حوزه باورها اعم از هستی شناسی، انسان شناسی و معرفت شناسی بود که به تبع آن در حوزه ی ساختار سیاسی، نیز رویکردی کاملاً متفاوت از رویکرد جریان اصیل انقلاب اسلامی پی گرفت. اعضای حلقه کیان که خود را روشنفکر دینی می دانند وظیفه ابتدایی خود را نقد ساختارهای اجتماعی - اندیشه ای سنتی دانسته و با تکیه بر عقل خود بنیاد و ارزش های مدرن، کوشیدند جامعه ای منطبق با این ارزش ها ایجاد کنند. التقاطی بودن تفکر اعضای حلقه ی کیان از این روست که با پذیرش ارزش هایی همچون لیبرالیسم، پلورالیسم و حقوق بشر خواستار انطباق دین با این ارزش ها شدند. شروع زاویه گیری اعضای حلقه ی کیان با جمهوری اسلامی هم از همین جا بود؛ زیرا در قرائت بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، اصالت برای دین است و مابقی امور باید خود را با آن منطبق کنند. در بررسی بازتاب و تأثیرات جریان التقاطی حلقه کیان در عرصه سیاسی جمهوری اسلامی ایران فعالیت آنها را در دو بخش قبل و بعد از انتخابات دوم خرداد 1376 تقسیم کردیم. اندیشه سازی حلقه کیان عمدتاً مربوط به دوره قبل سال 76 و کنش گری اجتماعی - سیاسی آنها به بعد از دوم خرداد سال 76 مربوط می شود. پس از انتخابات دوم خرداد حلقه کیان بازوی تبلیغی و رسانه ای جریان دوم خرداد شد و برخی اعضای حلقه وارد دولت شده و از آن طریق درصدد انتشار نظرات خود در حوزه ی سیاست برآمدند. حلقه ی کیان از طریق ابزارهایی که در اختیار داشت توانست گفتمان لیبرالیستی - سکولاریستی را بر جبهه ی دوم خرداد غلبه دهد و از این طریق موجب جدایی بخش قابل توجهی از نیروهای انقلابی از جریان اصلی انقلاب و گفتمان امام خمینی شود.

کلمات کلیدی: حلقه کیان، التقاط، روشن فکری دینی، جریان التقاطی، جمهوری اسلامی

ایران

## فهرست مطالب

1	طرح تفصیلی
1	الف. بیان مسأله
3	ب. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق
4	ج. سابقه تحقیق و جنبه جدید و نوآوری آن
6	ه. اهداف تحقیق
7	و. پرسش های تحقیق
7	1. سوال اصلی
7	2. سوالات فرعی
7	ز. فرضیه
8	ح. روش تحقیق
9	ک. تمرکز تحقیق
10	د. سازماندهی تحقیق

## فصل اول: کلیات و مفاهیم

12	مقدمه
12	الف) مفاهیم
12	1. جریان
12	2. التقاط
14	3. جمهوری اسلامی
15	4. جریان چپ
15	4.1. جناح چپ در جمهوری اسلامی ایران
17	4.2. چپ مدرن
18	5. روشن فکری دینی

- 5.1. جریان روشن فکری در ایران ..... 19
- ب) خاستگاه و فرایند شکل گیری حلقه کیان ..... 21
1. نکاتی درباره حلقه ..... 21
2. حلقه‌های فکری اصلاحات ..... 22
3. فرایند شکل گیری حلقه کیان ..... 23
- 3.1. پیشینه و خاستگاه حلقه کیان ..... 23
- 3.2. فرایند شکل گیری کیان ..... 26
- ج. جمع بندی و نتیجه گیری فصل اول ..... 34

### فصل دوم: اسلام تراز ؛ شاخص‌ها

**Error! Bookmark not defined.**..... مقدمه

**Error! Bookmark not defined.** اسلام ناب، اسلام تراز؛ شاخص‌ها – التقاط؛ عرصه‌ها

**Error! Bookmark not defined.** 1. شاخص‌های اسلام ناب در حوزه باور

1.1. مبانی هستی شناختی ..... **Error! Bookmark not defined.**

1.1.1. حاکمیت و ولایت خداوند. **Error! Bookmark not defined.**

1.1.2. حقانیت و جامعیت دین اسلام **Error! Bookmark not defined.**

1.1.3. یگانگی دین و سیاست... **Error! Bookmark not defined.**

1.1.4. معاد و مقصد (تاکید بر علت غائی در تبیین مسایل) **Error!**

**Bookmark not defined.**

1.2. مبانی معرفت شناختی ..... **Error! Bookmark not defined.**

1.2.1. واقع گرایی ..... **Error! Bookmark not defined.**

1.2.2. عقل و ایمان ..... **Error! Bookmark not defined.**

1.2.3. چگونگی امکان تغییر در دین و فهم دینی **Error! Bookmark not defined.**

1.3. مبانی انسان شناختی ..... **Error! Bookmark not defined.**

1.3.1. انسان موجودی دو ساحتی. **Error! Bookmark not defined.**

1.3.2. کرامت انسان ..... **Error! Bookmark not defined.**

1.3.3. نفی انسان گرایی (اومانیسزم) **Error! Bookmark not defined.**

**defined.**

**Error!** 2. شاخصه‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه ساختارسیاسی

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... 2.1. ضرورت حکومت

**Error! Bookmark not defined.**..... 2.2. حاکمیت دینی

**Error! Bookmark not** 2.3. مشروعیت الهی و مشارکت مردمی

**defined.**

**Error!** 2.4. ولایت و حکومت فقیه (تخصص در شناخت قانون الهی)

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark** 2.5. مدل جمهوری اسلامی (مردم سالاری دینی)

**not defined.**

**Error!** 3. شاخصه‌های جمهوری اسلامی ایران در حوزه وظایف و کارکرد

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... 3.1. وظایف عام حکومت

**Error!** 3.2. وظایف خاص حکومت الهی (حاکمیت ارزش‌ها)

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not** 3.3. تعامل روحانیت و دولت اسلامی

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... جمع بندی و نتیجه گیری:

فصل سوم: تبیین انتقادی مبانی حلقه کیان در حوزه باور

**Error! Bookmark not** الف: مبانی حلقه کیان در حوزه معرفت شناختی

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.**..... 1. نسبی گرایی معرفتی

**Error!** 1. 1. نظریه تکامل معرفت دینی (قبض و بسط تئوریک شریعت)

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark** اشاره اجمالی به برخی اشکالات نظریه قبض و بسط

**not defined.**

**Error! Bookmark not defined.** 1.2. سکولاریزاسیون (عرفی شدن)

**Error! Bookmark** 1.2.1. باز سازی سکولاریزم در پوشش عرفی شدن

**not defined.**

**Error! Bookmark not** الف) عرفی بودن جوهره دین اسلام

**defined.**



- Error! Bookmark not defined.**..... (ب) فعال گرایی دینی و عرفی شدن
- Error! Bookmark not defined.**..... (ج) تجدد و عرفی شدن
- Error! Bookmark not defined.** نقد و بررسی اجمالی نظریه عرفی شدن
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.** الف) نقد نظریه عرفی شدن در جوهره دین
- defined.**
- (ب) فعال گرایی دینی و عرفی شدن ( مصلحت و عرفی شدن، تقدس زدایی)
- Error! Bookmark not defined.**.....
- Error! Bookmark not defined.**..... (ج) نقد تجدد و عرفی شدن
- Error!** 2. باور به تعارض عقل و ایمان (عقل محوری-علم زدگی)
- Bookmark not defined.**
- Error! Bookmark not defined.**..... 2.1 ماهیت ایمان
- Error! Bookmark not defined.**..... 2.2 ماهیت عقلانیت
- Error! Bookmark not defined.**..... 2.3 نقش عقل در ایمان
- Error! Bookmark not defined.**..... 2.1 بازرگان و علم زدگی
- Error! Bookmark not defined.** 3. حاکمیت هرمنوتیک در فهم متون دینی
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.**..... نقد اجمالی هرمنوتیک فلسفی
- Error! Bookmark not defined.** ب: مبانی حلقه کیان در حوزه هستی شناختی
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.** 1. حق طبیعی جایگزین حق الهی
- Error! Bookmark not defined.** 2. عدم جامعیت و حقانیت دین اسلام
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.** 2.1. انتظار بشر از دین ( بسط دین حداقلی)
- defined.**
- Error! Bookmark not defined.**..... نقد و بررسی اجمالی
- Error! Bookmark not defined.**..... 2.2 تفسیر خاتمیت
- Error! Bookmark not defined.**.. اشاره به چند نکته در باب خاتمیت
- Error! Bookmark not defined.** 2.3. پلورالیسم و بسط تجربه نبوی
- Error! Bookmark not defined.**..... نقد اجمالی پلورالیسم دینی
- Error! Bookmark not defined.**..... 2.4. جدایی دین از سیاست

**Error!** 3. تاکید بر علت فاعلی بجای علت غایی (تبیین دنیا مدارانه هستی)

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.** ج: مبانی حلقه کیان در حوزه انسان شناختی

**Error! Bookmark not defined.**.....1. انسان گرایی (اومانیزم)

**Error! Bookmark not defined.**.....نقد اجمالی اومانیزم

**Error! Bookmark not defined.** 2. تأکید بر حقوق انسان در برابر تکالیف

**Error! Bookmark not defined.** بررسی اجمالی نسبت حق و تکلیف

فصل چهارم: بررسی انتقادی اندیشه حلقه کیان در ساحت ساختار سیاسی

**Error! Bookmark not defined.** الف. مدل حکومت دموکراسی مبتنی بر اندیشه سکولار

**Error! Bookmark not defined.**....1. تقدم رفرم دینی بر رفرم سیاسی

**Error!** 2. تأثیر پذیری کیان از غرب و تقابل با اندیشه‌های منتقد غرب

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.**.....3. ستیز با ایدئولوژی دینی

**Error!** 4. دولت و جامعه ای سکولار: آینده محتوم ایران نزد حلقه کیان

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.** ب. قبض دین حداکثری و نفی ولایت فقیه

**Error! Bookmark not defined.**....1. ناتوانی فقه در ساماندهی جامعه

**Error! Bookmark not defined.**.....2. نفی ولایت فقیه

**Error!** نقد اجمالی دیدگاه حلقه کیان در مدل حکومت و مسأله ولایت فقیه

**Bookmark not defined.**

فصل پنجم: بررسی انتقادی حلقه کیان در ساحت کارکرد و وظایف

**Error! Bookmark not defined.**.....مقدمه

**Error! Bookmark not defined.**.. الف. نفی کارویژه برای حکومت دینی

**Error!** نقد اجمالی نگرش حلقه کیان در نفی کارویژه حکومت دینی

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.** ب. تقابل با اسلام فقاهتی و نهاد روحانیت

**defined.**

**Error! Bookmark not defined.....** 1. تقابل با اسلام فقه‌ای

**Error! Bookmark not defined.....** 2. تقابل با نهاد روحانیت

**Error!** نگاهی اجمالی به نقش فقه و نهاد روحانیت در جمهوری اسلامی

**Bookmark not defined.**

فصل ششم: بازتاب و تأثیر نگرش حلقه کیان بر عرصه

**Error! Bookmark not defined.....** سیاسی جمهوری اسلامی ایران

**Error! Bookmark not** الف. اندیشه سازی حلقه کیان قبل از دوم خرداد 76

**defined.**

**Error! Bookmark not defined..** 1. جبهه گیری در برابر اسلام فقه‌ای؛

**Error! Bookmark not defined..** 2. مخالفت با مسأله تهاجم فرهنگی؛

**Error! Bookmark not defined.....** 3. درگیری با نهاد روحانیت

**Error! Bookmark not** 4. چرخش به سمت روشن فکری بازرگان

**defined.**

**Error!** 5. تشنج آفرینی در داخل و ایجاد برخی مشکلات در سیاست بین المللی

**Bookmark not defined.**

**Error!** ب. کنش گری اجتماعی - سیاسی حلقه کیان بعد از دوم خرداد 76

**Bookmark not defined.**

**Error!** 1. به دست گرفتن جریان مطبوعاتی . شکل گیری Lango

**Bookmark not defined.**

**Error! Bookmark not defined.....** 2. تأسیس حزب مشارکت

**Error! Bookmark not defined.** 3. حضور در ارکان و مناصب حکومتی

**Error! Bookmark not defined.....** 4. تئوریزه کردن نافرمانی مدنی

**Error! Bookmark not defined.....** خاتمه : جمع بندی و نتیجه گیری

**Error! Bookmark not defined.....** منابع و مأخذ

## طرح تفصیلی

### الف. بیان مسأله:

رخداد کم نظیر انقلاب اسلامی ایران در جهان دین ستیز قرن بیستم، نشانه بحران جدی در جریان غالب سکولاریزه کردن حیات فردی و اجتماعی انسان‌ها به شمار می‌رود. روشن است وقوع چنین تحول عظیمی بدون پایه‌ها و مبانی فکری متقن و استوار ناممکن بود. به عبارتی دیگر انقلاب فکری به رهبری امام خمینی قدس سره، مقدمه و زیربنای قیام ملت مسلمان ایران علیه نظام استبدادی شاهنشاهی بود. از این رو می‌توان گفت چالش‌های فکری و فرهنگی برای نظام جمهوری اسلامی ایران از مهم‌ترین آوردگاه‌های تقابل اندیشه پویا و مولد انقلاب اسلامی با سایر اندیشه‌ها محسوب می‌گردد.

شناخت صحیح مسایل و تحولات سیاسی یک جامعه بدون شناخت ماهیت جریان‌های فکری - سیاسی آن جامعه ممکن نیست. هرچند جریان‌های حاکم در هر نظام سیاسی را نمی‌توان به طور کامل و دقیق مشخص کرد؛ زیرا بسیاری از این جریان‌ها فرایندی هستند که با عکس‌العملی که در مقابل تحولات و رویدادهای روزمره یک جامعه نشان می‌دهند، بروز و ظهور پیدا می‌کنند. حلقه کیان از جمله این جریانها است که نقش مهمی در میان جریان‌های روشن فکری ایران در دهه هفتاد داشت و توانست به مدد سایر گروه‌های سیاسی، زمینه‌ای برای حضور در لایه‌های حاکمیتی جمهوری اسلامی ایران کسب کند.

حلقه کیان متشکل از برخی نیروهای فکری، سیاسی و اجرایی در حاشیه نشریه کیان بود که در سال 1370 به فعالیت‌های اغلب فرهنگی اشتغال یافتند. این افراد که از اعضای چپ نیروهای انقلابی بودند، با انتشار ماهنامه‌ای با نام «کیان» تاثیرگذاری بر اذهان مخاطب

و تغییر فضای فرهنگی کشور را پی گرفتند. بی شک اعضای این حلقه با ایجاد یک تشکل فکری - فرهنگی به هم افزایی در قدرت و توان فکری - اجتماعی دست یافتند و از این طریق توانستند در برهه ای از زمان میان جوانان و دانشجویان نفوذ کنند و با کمک گروههای داخلی، زمینه جنبشی اجتماعی را در یک مقطع زمانی پدید آورند. اعضای این حلقه به سبب حضور فعال در عرصه‌هایی همچون روشن فکری دینی، مطبوعات، جنبش دانشجویی، تألیف و ترجمه متون فلسفی - کلامی و سیاسی - اجتماعی، نفوذ میان تحصیل کردگان خارجی، نفوذ میان برخی نوگرایان حوزوی، حضور فکری و گاه فیزیکی در نهادهای دولتی مانند وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان فرهنگی - هنری شهرداری تهران، مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری و... نقش زیادی در تغییر و تحول فضای فکری، سیاسی و اجتماعی ایران پس از استقرار نظام جمهوری اسلامی داشتند.

بررسی جریان برخاسته از حلقه کیان متفاوت از سایر گروههای مخالف انقلاب است که از ابتدای شکل گیری و پیروزی انقلاب، سرناسازگاری با انقلاب و اسلام داشته و از همان ابتدا در دامن مارکسیسم و یا لیبرالیسم پرورش یافته اند؛ زیرا عمده اعضای آن دارای گرایش‌های دینی و رشد یافته در انقلاب بودند و از ابتدا در مناصب مهم فرهنگی و اجرایی جمهوری اسلامی حضور فعال داشتند. از این رو بررسی زمینه‌های فکری، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ظهور و بروز حلقه کیان و تبیین ابعاد فکری و سیاسی آن و نقش آن در تحولات ایران ضرورتی انکار ناپذیر است.

شاید بتوان عقاید اصلی حلقه کیان را محصول تغییر تفکر در حوزه باورها اعم از هستی‌شناسی، انسان‌شناسی و معرفت‌شناسی دانست که به تبع آن در حوزه‌های ساختاری مانند ساختار سیاسی، حقوقی و اقتصادی، نیز رویکردی متفاوت را پی گرفتند.

جریان حلقه کیان با محوریت عبدالکریم سروش شکل گرفت که دستی توانا

در ترکیب اندیشه‌های گوناگون و نامتجانس داشت.<sup>1</sup>

---

1. برخی تحلیل‌گران سروش را محور تحولات سیاسی ایران در دهه هفتاد و یکی از شخصیت‌های اصلی دوران

اعضای حلقه‌ی کیان به لحاظ سیاسی و خط‌بندی‌های مرسوم زمانه به جناح چپ انقلاب اسلامی تعلق داشتند که متأثر از اندیشه‌های روشنفکری دینی پیش از انقلاب، بخصوص شریعتی بود. دگرذیسی حلقه‌ی کیان موجب شد این گروه با چرخش 180 درجه‌ای به سمت اندیشه‌های لیبرالیستی تغییر مسیر دهد. اما به دلیل تمرکز بر کار فکری و تمسک به اندیشه‌های لیبرالیستی آرام آرام توانست به لحاظ فکری بر جناح چپ اسلامی غلبه پیدا کرده و آن‌را با خود همراه کند. در اوایل دهه‌ی هفتاد، گروه‌ها و احزاب چپ، علی‌رغم ادعای چپ‌روی سوسیالیستی و مبارزه با استکبار جهانی و حمایت از اقشار مستضعف و محروم، آرام آرام به سمت راست حرکت کردند. همراهی حلقه کیان با اعضای نهضت آزادی، پس از عذرخواهی از تندروی‌ها در حق آنان نشان‌دهنده این راستروی جریان کیان است.

آن چه در این پژوهش حائز اهمیت است تبیین جریان التقاطی حلقه کیان و بررسی تحلیلی بازتاب آن در عرصه سیاسی جمهوری اسلامی ایران با رویکردی انتقادی است. شناخت حلقه کیان، چالش و تمایز آن با گفتمان انقلاب اسلامی (اسلام ناب) و تأثیر آن بر جریان‌های سیاسی پس از انقلاب امری است که این پژوهش بدان خواهد پرداخت.

## **ب. اهمیت و ضرورت انجام تحقیق :**

انقلاب اسلامی در ایران، برخاسته از مذهب تشیع است و موجب شکل‌گیری ارکان و ساختار سیاسی حکومتی شد که در تاریخ اسلام پس از زمان ائمه معصومین (ع) بی نظیر است. شگفتی‌آفرینی انقلاب اسلامی ایران در سال 1357 این بود که نه تنها از ارزش‌های دینی و در واقع از یک دین الهی توحیدی نشأت گرفته بود در حالی که دین در اکثر جوامع آن روز فاقد اثر سیاسی و اجتماعی بود و حداکثر به امری معنوی، درونی و فردی

---

اصلاحات معرفی کرده اند و تحولات فکری او را نشانه‌ای از تحولات ریشه‌ای در انقلاب اسلامی ایران می دانند و چنین بیان کرده اند که: «تحول و استحاله سروش در واقع از بسیاری جهت‌ها سرگذشت خود ایران است. ر. ک: رابین رایت، آخرین انقلاب بزرگ (انقلاب و تحول در ایران)، ترجمه احمد تدین و شهین احمدی، نشر فرهنگی رسا، تهران، 1382، ص 78.

محدود بود.

امام خمینی با ارائه اسلام ناب، نگرشهای التقاطی موجود درباره اسلام چه نگرشهای سوسیالیستی، ملی گرایانه و لیبرالیستی و یا نگرشهای متحجرانه از اسلام را که مطلقاً امکان تشکیل چنین حکومتی را منتفی و تلاش برای آن را ضد ارزش می دانستند را نفی کردند. اما برداشت‌های التقاطی از مکتب پس از انقلاب متوقف نشد و گروهها و جریانهای متعددی با تابلوی دین سعی در بدست گرفتن ارکان قدرت در حکومت اسلامی با ابزار دین و تفسیرهای ترکیبی از آن کرده اند.

تمایز دوره کنونی ما ظهور رویکردهای نوین در ترکیب عناصر مختلف در ایجاد مکاتب التقاطی و انحرافی می باشد از قبیل: رویکرد علمی متأثر از پیشرفت علوم تجربی، رویکرد اجتماعی به ویژه با وجهه سوسیالیستی - مارکسیستی، رویکرد عقلی - فلسفی متأثر از جریان فلسفی غرب و رویکرد ناسیونالیستی.

اندیشه‌هایی مانند حلقه کیان با رویکرد سکولار سعی دارند تا معنویت اسلامی با عقل نوین پیوند خورده و با تکیه بر نسبیت فهم دینی، حقوق بشر و دموکراسی مدرن با اسلام سازگار شود. این جریان در تعارض میان دستاوردهای عقل جدید با دین سعی در قرائتی جدید از دین به نفع مدرنیته دارد.

شناخت التقاط و راهکارهای مقابله با آن امری ضروری است و از این رهگذر است که جامعه متوجه خطری که انقلاب و اسلام را در تهدید می کند خواهد شد.

گذشته همواره چراغ راه آینده است، اگر امید و اخلاص در ساخت آینده ای روشن داشته باشیم. امید است با تبیین انتقادی میزان و راههای اثرگذاری حلقه کیان در ساحت سیاست، به مرتبه ای از شناخت و قوه تمییز دست یابیم تا بتوانیم حافظ و نگهبان ارزشهای اسلامی - انقلابی در مقابل این هجمه‌ها باشیم.

### ج. سابقه تحقیق و جنبه جدید و نوآوری آن

به نظر می رسد در میان کتب، مقالات و تحقیقات دانشگاهی که پیرامون جریانهای

التقاطی نوشته شده است، بررسی‌ها عموماً به مرحله پیش از انقلاب بر می‌گردد. حال آنکه با پیروزی انقلاب اسلامی است که خطر اصلی هویدا گشته و التقاطیون جدید که عمدتاً سعی در منتسب نمودن خود به اسلام - با تفسیر به رای - دارند نه تنها حکومت جمهوری اسلامی بلکه اصل باورهای اسلامی تشیع و عقیده و عمل جوانان دانشگاهی و حوزوی را نشانه گرفته‌اند. نکته اصلی مغفول مانده در شناساندن این جریانها، پس از رحلت امام خمینی تا به امروز است. در این خصوص، هم جای معرفی و تحلیل آنها خالی به نظر می‌رسد و هم جای بررسی چگونگی و میزان توفیق یا عدم توفیق آنها برای نفوذ در سیستم. بررسی تاثیر حلقه کیان بر جریان‌های سیاسی پس از انقلاب و نحوه و میزان تاثیر آنها بر ساحت قدرت، چیزی است که سعی شده است در حد توان و بضاعت علمی پاسخ و تحلیلی برای آن در چارچوب یک تحلیل آکادمیک و دانشگاهی فراهم آورده شود.

سوابق مربوط به پژوهش حاضر را می‌توان در چند دسته جای داد؛

برخی از آنها تحت عنوان جریان شناسی به جریان حلقه کیان اشاره کرده‌اند ولی به موضوع التقاط درمبانی فکری این جریان و یا نحوه تاثیر گذاری آنها بر عرصه جمهوری اسلامی ایران توجهی ننموده‌اند نظیر:

1. علی داریابی، جریان شناسی سیاسی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1388.

2. مصطفی جمالی، جریان شناسی فرهنگی در تمدن اسلامی، قم، کتاب فردا، 1387.

3. سید مصطفی میرسلیم و کاظم خورمهر، جریان شناسی فرهنگی بعد از انقلاب اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران، نشر باز، 1389.

در برخی نیز تنها به موضوع التقاط و انواع آن پرداخته شده است و به شکل کلی به گروه‌های التقاطی قبل یا بعد از انقلاب و نحوه شکل‌گیری آنها پرداخته شده است بدون این که جریان خاصی مانند حلقه کیان محور بحث قرار گرفته باشد مانند:

1. رسول جعفریان، مروری بر زمینه‌های فکری التقاط جدید در ایران، تهران،



سازمان تبلیغات اسلامی، 1367.

2. محسن آذینی، التقاط و تحجر از دیدگاه شهید مطهری، قم، سازمان تبلیغات

اسلامی، 1369.

اما دسته سوم که نزدیکی بیشتری به موضوع پژوهش حاضر دارند یا تنها بررسی و تحلیل زمینه‌های فکری عبدالکریم سروش، را مد نظر قرار داده اند نه حلقه کیان، و لذا بیشتر به فراز و فرودهای فکری و اندیشه ای سروش پرداخته اند و اثرات سیاسی و جریان ساز این نوع تفکر را بررسی ننموده اند مانند:

1. سید مهدی موسوی، آیت افسون گری (تحلیل و بررسی زمینه‌های فکری

سروش و پیدایش حلقه کیان)، چاپ اول، قم، نشر اشراق، 1392.

و یا به موضوع عام تری مانند عرفی گرایی پرداخته اند، هرچند عرفی کردن دین از محوری ترین مباحث در جریان فکری حلقه کیان است اما در نقد و ارزیابی عرفی گرایی، در صدد بررسی و نقد عرفی گرایی در ساحت باور، ساختار و رفتار در نظام جمهوری اسلامی ایران بوده اند و یک جریان و گروه سیاسی خاص را مورد بررسی خود قرار نداده اند و بیشتر از منظر جامعه شناسی سیاسی، عرفی گرایی را تحلیل و بررسی نموده اند. مانند:

2. محمد جواد نوروزی، نقد و ارزیابی عرفی گرایی در جمهوری اسلامی ایران،

چاپ اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1393.

## ه. اهداف تحقیق:

1. معرفی جریان جدیدی از التقاط پس از انقلاب اسلامی به منظور جلوگیری از

استمرار، تداوم و تکثیر این گونه جریان‌ها.

2. تبیین فرایند شکل گیری، اهداف و انگیزه‌های این حلقه فکری.

3. روشن نمودن تاثیر گزارى آنها در ساحت قدرت و جریان‌های سیاسی.

## و. پرسش های تحقیق:

### 1. سوال اصلی

از جریان التقاطی حلقه کیان چه نقد و ارزیابی می توان ارائه کرد و بازتاب این جریان بر عرصه سیاسی جمهوری اسلامی چیست؟

### 2. سوالات فرعی

1. مفهوم جریان التقاطی چیست و شاخص های آن در حلقه کیان کدام است؟
2. شاخصه ها و ابعاد اسلام ناب و احیاگر به مثابه اسلام تراز چیست؟ ابعاد و عرصه های التقاط چیست؟ (چارچوب نظری)
3. تبیین انتقادی مبانی حلقه کیان در حوزه باور چیست؟
4. الگوهای ساختاری مورد نظر حلقه کیان چیست و چه نقد و ارزیابی می توان از آن ارائه کرد؟
5. رسالت، وظایف و کارکرد حکومت از دیدگاه حلقه کیان چیست و چه نقد و ارزیابی می توان از آن ارائه کرد؟
6. بازتاب و تاثیر نگرش حلقه کیان در ساحت های باور، ساختار و کارکرد و وظایف ج.ا.ا. کدام اند؟

### ز. فرضیه

در پاسخ به پرسش اصلی، فرضیه پژوهش حاضر این است که "اصول بنیادی و راهبردی حلقه کیان در یک نگاه کلی عبارت از: نگرش انتقادی به دین مبتنی بر عقل خود بنیاد، رویکرد سکولاریستی در دین، تأکید بر کثرت گرایی دینی، ستایش دموکراسی لیبرال است. و بازتاب های آن در عرصه جمهوری اسلامی ایران را می توان در جریان های سیاسی، سیاست گذاری و عملکرد دولت اصلاحات، طراحی برخی الگوها و ساختارهای سکولار نظیر احزاب، ngoها و ... مشاهده کرد.

## ح. روش تحقیق:

هدف رساله حاضر نقد و ارزیابی گفتمان فکری حلقه کیان بر مبنای اندیشه اسلامی است در این راستا مجموعه آثار منتشره از سوی حلقه کیان به ویژه کلیه شماره های منتشره مجله کیان مورد مطالعه و مذاقه انتقادی قرار گرفته است. به این جهت افزون بر روش انتقادی تا حد زیادی از تحلیل محتوا نیز بهره گرفته شده است. تحلیل محتوا از جمله روش هایی است که برای مطالعه دقیق و نظام مند انواع متون کاربرد دارد. برای نیل به این هدف نکات زیر مد نظر قرار گرفته است:

1. برای روشن شدن این امر که معیار و تراز ارزیابی در نقد و بررسی دیدگاه های حلقه کیان چیست طبعا ضروری بود تا نخست چارچوب اندیشه اسلامی متناسب با ابعاد اندیشه گی حلقه مورد توجه قرار گیرد از این رو در چارچوب نظری اندیشه تراز طرح شده است.

2. به منظور نقدی فراگیر و جامع از دیدگاه های حلقه کیان ضروری بود که دیدگاه های طرح شده از سوی این نگرش احصا شود و سپس بر اساس رویکرد تحلیل محتوایی تلاش به عمل آمد فارغ از پیش داوری مجموعه آثار نویسندگان این حلقه به ویژه مقالات نشر یافته در مجله کیان که بازتاب دهنده دیدگاه های این جریان است بررسی و محوربندی شود. چرا که در تحلیل محتوا تاکید بر نظام یافتگی عینیت کمیت یابی و تکرار پذیری است.

3. با طبقه بندی آرای حلقه کیان بر مبنای اندیشه اسلامی که اندیشه تراز ما در ارزیابی اندیشه دگراندیش است، میزان انطباق و یا چالش دیدگاه های حلقه کیان با اندیشه تراز بررسی شده و نقاط ضعف و قوت و کاستی آنها که برگرفته از رویکرد انتقادی است مشخص شده است. هدف در روش انتقادی کنار زدن آگاهی کاذبی است که یک جریان با خلق آن در صدد بهره برداری سیاسی است و اتخاذ رویکرد انتقادی به معنای کنار زدن این آگاهی کاذب و دستیابی به حقیقت ناب پنهان شده در ورای آن است که از دسترس عموم مردم مخفی نگاه داشته شده است. در این گونه تحقیق می توان به لایه های زیرین وارد شد و بر اساس آن تضاد، تعارض، بحران، نابرابری ها و تغییرات برای رفع آن و در جهت نیل به حقیقت را ایجاد کرد.

تحقیق حاضر از نوع کیفی و بنیادی و به لحاظ ابزار و روش گردآوری داده ها به روش کتابخانه ای از مجموع مقالات منتشره در مجله کیان، کتابها و سخنرانی های مرتبط با موضوع بحث است بدین معنا که با انجام تحلیل محتوایی محورهای اساسی استخراج و مرتبط با ادبیات موضوع در قالب سه محور اساسی ارائه شده است محور نخست مبانی فکری است که ناظر به بنیان های فکری است و طی آن مبانی هستی شناختی، انسان شناختی و معرفت شناختی بررسی شده است در محور دوم با توجه به محوریت تحلیل دیدگاه های سیاسی این جریان به مقوله ساختار حاکمیت در جامعه اسلامی اشاره و در محور سوم به حوزه رفتار و یا کارکرد و وظایف اشاره شده است.

### ک. تمرکز تحقیق:

۱- مراد از بازتاب در عنوان پژوهش، تنها بعد کنش و تاثیر گذاری این جریان در عرصه سیاسی جمهوری اسلامی ایران است نه بررسی واکنش ها در مقابل این جریان.

۲- مبنای بررسی ها در این پژوهش، استخراج مبانی حلقه کیان، بیشتر از ماهنامه کیان است تا سایر منابع؛ زیرا این ماهنامه معمولا محصول نشست های این حلقه را در طول ۹ سال انتشار آن به عنوان نشریه رسمی این حلقه بازگو می کرد و به ترویج اندیشه حلقه کیان می پرداخت.

۳- از آن جا که مجموعه دیدگاه های حلقه کیان و جوانب آن بسیار گسترده است، بررسی همه آنها از عهده یک پایان نامه خارج است لذا سعی شده است تنها به شاخصه های اصلی و مبانی کلیدی آنها پرداخته شود. همچنین نقد مباحث، بیشتر به صورت مزجی و ضمنی در خلال طرح مباحث آورده شده است تا از طولانی شدن پایان نامه جلوگیری شود هر چند در برخی موارد به شکل مجزا به نقد اجمالی مبانی اشاره شده است.

۴- در این پژوهش شاخص هایی به عنوان اسلام تراز در نظر گرفته شده است که به صورت مانع الخلو یا مورد اتفاق همه مسلمین است یا مبنای حضرت امام خمینی (ره) به عنوان بنیانگذار انقلاب اسلامی است و یا مصرح در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است، بنابراین اثبات این امور مفروغ عنه است و در صدد بیان ادله برای اثبات آنها نخواهیم

بود. همچنین در مورد شاخص های التقاط نیز همین گونه عمل شده است یعنی به عنوان مثال در صدد بیان ادله نفی سکولاریسم، پلورالیسم یا لیبرالیسم نخواهیم بود بلکه در این پژوهش سعی در تبیین دیدگاههای حلقه کیان شده است که چگونه با محوریت مبانی مذکور سامان یافته است و با ترکیب و تلفیق عناصری نا همگون از دو یا چند مکتب به برداشتی از اسلام دست یافته اند.

#### د. سازماندهی تحقیق:

مقدمه : چارچوب پژوهش

فصل 1. مفاهیم و کلیات

الف. مفاهیم

ب. خاستگاه و فرایند شکل گیری حلقه کیان

فصل 2. اسلام ناب؛ شاخصه ها – التقاط؛ عرصه ها

2.1. اسلام احیا گر؛ شاخص ها و ابعاد

الف. شاخص ها در ساحت باور

هستی شناسی، انسان شناسی، معرفت شناسی

ب. شاخص ها در حوزه ساختار

پ. شاخص ها در حوزه وظایف و کارکرد

فصل 3. تبیین انتقادی مبانی حلقه کیان در حوزه باور

فصل 4. بررسی انتقادی حلقه کیان در ساحت ساختار

فصل 5. بررسی انتقادی حلقه کیان در ساحت کارکرد و وظایف

فصل 6. بازتاب و تاثیر نگرش حلقه کیان بر عرصه سیاسی ج.ا.ا.

خاتمه : جمع بندی، نتیجه گیری

## **فصل اول:**

### **کلیات و مفاهیم**

## مقدمه

در این فصل با توجه به موضوع پژوهش مناسب است ابتدا برخی واژه‌های بکار رفته در موضوع و همچنین برخی مفاهیم مرتبط با آن که ممکن است در خلال پژوهش مطرح شوند، قدری توضیح و تبیین بیشتری داده شوند. در بخش دوم این فصل نیز به پیشینه، خاستگاه و فرایند شکل‌گیری حلقه کیان پرداخته خواهد شد.

## الف) مفاهیم

### 1. جریان

مراد از جریان یک حرکت پویا و زنده است که با برخورداری از ایدئولوژی مشخص و گرایش‌های فکری درونی به مدد رهبران خود بر اقشار مختلف جامعه تأثیر می‌گذارد و جبهه، حزب، سازمان یا نهاد و گروه ویژه خود را بنا می‌کند. باید توجه داشت که در جریان‌های سیاسی هدف نهایی، کسب قدرت و استقرار نظام سیاسی مورد نظر آنها می‌باشد.

### 2. التقاط

«التقاط» از لَقَطٌ<sup>۱</sup> به معنای برچیدن و از زمین چیزی را برگرفتن و بخشی از گفتار کسی را گرفتن است.

در قرآن کریم واژه التقاط در دو جا ذکر شده است؛ یکی در داستان حضرت موسی وقتی خاندان فرعون او را از آب گرفتند «فَالْتَقَطَهُ آلُ فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا»<sup>۲</sup> و دیگری در داستان حضرت یوسف هنگامی که او را در چاه افکندند: «الْقُوهُ فِي غِيَابَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ»<sup>۳</sup> یکی از برادران یوسف گفت: او را در نهانگاه چاه بیفکنید تا بعضی از قافله او را برگیرند.

1. محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، چاپ سوم، صادر، بیروت، 1414ق، ج 7، ص 392.

2. قصص (28) آیه 8.

2. یوسف (13) آیه 10.

با توجه به معنای لغوی واژه التقاط می توان استفاده کرد که التقاط گر، کسی است که مجموعه ای را از مجموعه دیگر برمی چیند و می گیرد.

نگرش های التقاطی به نگرش هایی گفته می شود که به جای تعقل و نقد افکار و فرضیه ها، نظریات و افکار غیر متجانس را گرد می آورد تا از مجموع آن ها مکتبی بسازد، از این رو حاوی تحریف نیز هستند. پس می توان التقاط را نوعی ترکیب کردن و آمیختن ناموزون مفاهیم، مطالب و احیاناً باورها دانست که ممکن است به این شیوه صورت گیرد که محتوا را از یک مکتب و قالب را از مکتب دیگر برگیرد. در رویکردی صریح تر، می توان گونه هایی از التقاط را دال بر آمیختن حق و باطل دانست هنگامی که افراد بخشی از حق را می گیرند و آن را با باطل می آمیزند، راه التقاط پوییده اند.

واژه التقاط با انحراف متمایز است؛ زیرا انحراف در لغت به معنای کج شدن و مایل شدن از راه راست است. در اصطلاح نیز انحراف همیشه در نسبت با خط مستقیم تعریف می شود. انحراف جایی می تواند مطرح شود که خط مستقیمی باشد و کسانی از آن دور یا جدا شده اند. بنابراین چه بسا نسبت التقاط و انحراف را بتوان عموم و خصوص مطلق دانست، به این معنا که هر التقاطی را می توان انحراف دانست اما هر انحرافی را نمی توان التقاط دانست به دلیل اینکه انحراف، لزوماً با ترکیب و التقاط حاصل نمی شود. باید توجه داشت که التقاط با نوآوری، خلاقیت و نگرش های جدید نسبت به مسایل نیز متفاوت است. خلاقیت را می توان دیدن چیزها از یک منظر غیر معمولی و نو، توجه به مسائل از زاویه ای که هیچ کس دیگر نمی بیند و سپس ارائه رهیافت های جدید و اثر بخش دانست. همچنین ابداع، به معنی نوآوری و توانایی ایجاد یک فکر و چیز نو بوده و در ظهور اولیه خلاقیت موثر است. باید دانست تاکنون کوششهای بسیاری برای تعریف خلاقیت صورت گرفته است با این حال در مورد مفهوم خلاقیت، نمی توان به یک توافق عمومی دست یافت. برخی خلاقیت را تولید ایده ها، رهیافت ها و مفاهیم اصیل، بدیع و جدیدی می داند که از رفتاری انطباق پذیر برخوردار باشد. برخی نیز خلاقیت را با تفکر واگرا (دست یافتن به رهیافت های جدید برای حل مسایل) در مقابل تفکر همگرا (دست یافتن به پاسخ صحیح)



مترادف می دانند. واقعا خلاقیت چیست آیا هر شیئی یا روش جدیدی که توسط فردی ابداع شود ثمره نوعی خلاقیت است؟ آیا ساختن اشکال گوناگون با وسایل بازی توسط کودکان نیز نوعی خلاقیت است؟ اگر کسی وسیله ای نو و جدید ساخت ولی این وسیله هیچگونه استفاده ای نداشته باشد و یا برای بشر مضر باشد باز هم می توان وی را خلاق نامید؟ تاریخ شاهد موارد بی شماری است که فردی ادعای ایجاد روش، ایده. یا وسیله ای نو را داشته ولی در حقیقت ادعای وی کذب بوده است. عکس این مطلب نیز بارها اتفاق افتاده که زمانی شخصی دقیقا و واقعا فکر و ایده ای نو و ابداعی داشته ولی این امر به دیده اطرافیان و جامعه به عنوان مطلب ساده و پیش پا افتاده ای آمده است.<sup>۱</sup>

چه بسا با صرف تحلیل مفاهیم نتوانیم مرز بندی دقیق و درستی نسبت به التقاط و خلاقیت و نوآوری داشته باشیم. اما این مسأله مشکلی در تحقیق پیش رو ایجاد نمی کند زیرا در فصل دوم با بیان شاخص های اسلام تراز مقصود ما از التقاط به روشنی بدست می آید. مقصود ما از التقاط در این پژوهش عبارتست از هرگونه برداشت از اسلام که متباین با اسلام ناب با قرائت امام خمینی و تصریح شده در قانون اساسی است و با پذیرش لیبرالیسم، پلورالیسم و حقوق بشر به عنوان اسلام عرضه می شود.

### 3. جمهوری اسلامی

کلمه جمهوری شکل حکومت را مشخص می کند و کلمه اسلامی محتوای حکومت را تعیین می کند. حکومت جمهوری یعنی حکومتی که حق انتخاب با همه مردم است قطع نظر از اینکه مرد یا زن، سفید یا سیاه دارای این عقیده یا آن عقیده باشند فقط شرط بلوغ سنی و رشد عقلی معتبر است نه چیز دیگر کلمه اسلامی محتوای حکومت را بیان می کند یعنی حکومت با اصول و مقررات اسلامی اداره می شود و در مدار اصول اسلامی حرکت کند. چون اسلام به عنوان یک دین در عین حال یک مکتب و یک ایدئولوژی است طرحی

---

۱. سلیمان خلیون، خلاقیت و نوآوری، پژوهشنامه حقوق اسلامی، پاییز ۱۳۸۱، ش ۸ و ۹ (از ۱۱۲ ص تا ۱۲۱).

است برای زندگی بشر در همه ابعاد و شئون آن. پس جمهوری اسلامی یعنی حکومتی که شکل آن از سوی عامه مردم و محتوای آن اسلامی است.

#### 4. جریان چپ

اصطلاح چپ از انقلاب کبیر فرانسه وارد ادبیات سیاسی شد. در آن زمان به نمایندگانی که در سمت چپ مجمع ملی می نشستند، چپ می گفتند که به معنای انقلابی بودن و هواداری از تغییر بود. این مفهوم با پیدایش جنبشهای سوسیالیستی بر کسانای اطلاق می شد که اعتقاد به دخالت دولت در اقتصاد بودند. این اصطلاح در 1925 در بریتانیا گاهی برای کمونیستها و سوسیالیستها به کار می رفت که طرفداران توسعه خدمات اجتماعی و آزادی های مستعمره ها بودند.<sup>1</sup> مراد از جریان چپ اعتقادی همانا احزاب و تشکلهایی است که مرام و فلسفه الحادی و سوسیالیستی را سرلوحه خود قرار داده اند.<sup>2</sup>

##### 4.1. جناح چپ در جمهوری اسلامی ایران

جناح چپ یکی از دو جریان عمده در تاریخ جمهوری اسلامی ایران است که در بردارنده برخی از نیروها و گروههای سیاسی است. جناح چپ و راست متشکل از نیروهای اسلام گرای طرفدار امام خمینی و جمهوری اسلامی بودند که در مسیر حاکمیت انقلاب به دلیل نوع نگاه به نقش و میزان دخالت حکومت و مردم در حیات اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی و الگوهای مطلوب برای شکل و نوع حکومت از هم متمایز می شوند.

این دو جناح، دو طیف از نیروهای سیاسی فعال در حزب جمهوری اسلامی بودند که برای دفاع از انقلاب نوپا و راه امام شکل گرفت اما سیر حوادث در سالهای ابتدایی انقلاب به گونه ای رقم خورد که نیروهای فعال در حزب جمهوری و نیز مجلس شورای اول که تحت حاکمیت اکثریت اسلام گرای طرفدار امام بود به دو گروه چپ و راست

---

1. داریوش آشوری، فرهنگ سیاسی، چاپ سوم، تهران، انتشارات مروارید، 1349، ص 77.

2. علی دارابی، جریان شناسی سیاسی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1388، ص 85.

انشقاق یابند.

گرایش به پاره ای رفتارهای رادیکالی، دفاع از تمرکز گرایی در اداره امور، تجویز دین حداکثری و محدود کردن قلمرو آزادی‌ها و حقوق شهروندی، دفاع از دولت گرایی و مخالفت با خصوصی سازی، دفاع از محرومان، حاشیه نشینان و اقشار آسیب پذیر، استکبار ستیزی و بالاخره ولایت مطلقه فقیه را فصل الخطاب دانستن در همه چیز، از ویژگیهای جریان چپ اسلامی در دهه اول انقلاب است.<sup>۱</sup> این جریان که گفتمان غالب در دهه اول انقلاب بود وارکان دولت را در انحصار خود داشت با پایان جنگ هشت ساله رو به افول نهاد. برخی شرایط مانند خواست مردم برای حاکمیت میانه روها به جای تندروها، حذف پست نخست وزیری و انتقال قدرت به رئیس جمهور و... باعث شد تا جریان چپ که اکثریت قاطع در مجلس سوم را در دست داشت نتواند در دوره چهارم مجلس شورای اسلامی پیروز شود.

رویکرد جناح چپ بعد از این شکست متفاوت بود. برخی با شرکت در انتخابات‌های بعدی به رقابت روی آوردند. عده ای از آنها با انتشار روزنامه و نشریه سعی در تقابل با دولت وقت را داشتند. به عنوان نمونه محمد موسوی خوئینی‌ها با همکاری جمعی از کادر دفتر تحکیم وحدت روزنامه سلام را راه اندازی کرد. شاید بتوان راهبرد جناح چپ سنتی را در ایام افول قدرت چنین برشمرد:<sup>۲</sup>

الف. کادر سازی: جمعی از نیروهای چپ برای ادامه تحصیلات عالی به دانشگاه‌های خارج از کشور عزیمت کردند و این مجموعه بعد از دوم خرداد 1376 نقشی اصلی در اداره کشور در دولت، مجلس و سایر دستگاهها بر عهده گرفتند.

ب. نظریه پردازی: این جریان به دلیل ناکامی‌های خود به باز تعریف و تئوری پردازی و نظریه سازی نیاز داشت تا هم از گذشته خود فاصله بگیرند و هم اعتماد افکار

---

1. همان، ص 249.

2. همان، ص 256.

عمومی را به خود جلب کنند. به این ترتیب نیروهای چپ در مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری و نیز حلقه کیان، نقش بسزایی در سامان دهی طیف روشنفکری و اتحاد و هم اندیشی آنها ایفا کرد که محصول این هم اندیشی‌ها به چالش کشیدن حکومت دینی بود.

ج. گسترش فعالیت‌های تشکیلاتی و رسانه‌ای: جریان چپ که ابتدا تعداد معدودی از مطبوعات را در دست داشت توانست نشریاتی مانند عصرما(ارگان رسمی سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی) کیان، ایران فردا، کیهان فرهنگی، آدینه، نگاه نو، بهمن و... را در دست گیرد و اندیشه‌های جدید خود را اشاعه دهد.

#### 4.2. چپ مدرن

چپ سنتی که در عقاید و کنش‌های سیاسی - اجتماعی خود در دهه اول انقلاب تجدید نظر کرده بودند و اغلب در برابر پیشینه خود قرار داشتند برای انتقال به دوران اصلاحات در دوره ای از عنوان چپ مدرن استفاده کردند که به اعتقاد برخی محققین هدف آنها سود بردن از عنوان چپ و برخی سوابق انقلابی آن بود و گرنه نسبتی میان عقاید و ارزش‌های چپ مدرن با چپ سنتی نبود.<sup>1</sup> این طیف با یارگیری از ریزش‌های جناح راست سنتی و با ایجاد شکاف میان آنها جایی برای نفوذ پیدا کرد و در قالب حزب کارگزاران تلفیقی از راست و چپ مدرن شکل گرفت که در نهایت توانست به بازیابی قدرت برای چپ مدرن نقش بازی کند.

چپ مدرن با رسیدن دوباره به قدرت در سال 76 در برخی مفاهیم و اعتقادات خود چرخشی جدی انجام داد که اهم آن‌ها این قرارند:

مقید بودن ولایت فقیه به قانون اساسی، انتخابی بودن ولایت فقیه، تأکید برهمزیستی

---

1. دکتر کاظم سام دلیری، روشنفکری دینی سکولار، چاپ اول، تهران، انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1393، ص 41.

و گفت و گوی میان تمدن‌ها، طرفداری از رابطه با آمریکا،<sup>۱</sup> نقد تمدن غرب بجای نفی آن، شعار جامعه مدنی بامحوریت اصولی مانند سکولاریسم، عقلانیت و پلورالیسم، نگاه نسبی‌گرایانه به مقوله‌های دینی، عرفی شدن دین<sup>۲</sup>، تساهل و تسامح دینی<sup>۳</sup>، پذیرش قرائت‌های متعدد از دین، طرفدار اقتصاد بازار و مخالفت با انحصار دولتی، تاکید بر توسعه سیاسی و...

## 5. روشن فکری دینی

روشن فکر دینی ترکیب دو واژه است. روشن فکر و دین که در آن دین به روشن فکر نسبت داده شده است. روشن فکر دینی کسی است که هم به روشن فکری و هم به دین تعلق خاطر دارد. واژه روشن فکر به لحاظ لغوی معنایی ساده و روشن دارد ولی به لحاظ استعمال و اصطلاح گرفتار ابهام و پیچیدگی‌های بسیار است.

بستر و نسل اولیه روشن فکری در غرب، خصوصا اروپا، مبتنی بر چالش در سه موضوع مذهب، سیاست و اقتصاد بوده است. نزاع با مذهب منجر به دور کردن مذهب از عرصه عمومی و اجتماعی و پیدایش اومانیسم (انسان محوری) و راسیونالیسم (عقل محوری) شد. نزاع در بخش سیاست، حکومت مبتنی بر انتخابات (مشروطه و جمهوری) را باعث گردید و در چالش اقتصادی به اقتصاد سرمایه داری منجر شد. نسل دوم روشن فکران در غرب که سوسیالیست‌ها بودند به جای آزادی به شعار عدالت روی آوردند و نفی کامل مذهب را حتی در حوزه فردی خواستار شدند.<sup>۴</sup>

در هر حال هسته اصلی معنای روشن فکری نارضایتی از وضع موجود است و بیشتر

---

1. سید محمد خاتمی، *از دنیای شهر تا شهر دنیا*، چاپ پنجم، تهران، نشر نی، 1377، ص 14.

2. عبدالکریم سروش، *قبض و بسط تئوریک شریعت*، چاپ نهم، تهران، موسسه فرهنگی صراط، 1386، صص 116-133.

3. محسن کدیور، *دغدغه‌های حکومت دینی*، تهران، نشر نی، 1379، صص 447-448.

4. نجف لک زایی، *تحولات سیاسی-اجتماعی ایران معاصر*، چاپ دوم، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1391، صص 323-358.

صبغه سیاسی - اجتماعی دارد برخلاف هسته اصلی واژه روشن گری که تأکید ویژه ای بر عقل دارد و بیشتر صبغه فکری و اندیشه ای دارد.<sup>۱</sup> به نظر می رسد روشن فکری حقیقی که وظیفه نقّادی و اصلاح وضع موجود و آگاهی دادن به جامعه برای حرکت به سمت آرمانها و وضعیت مطلوب را بر عهده دارد، با دین سازگار و بلکه خواسته خود دین است.<sup>۲</sup>

اما آنچه مسأله اساسی است این است که بسیاری از افرادی که در سلک روشنفکری قرار گرفته اند، غرب را آرمان و نقطه مطلوب می دانند و راه اصلاح جامعه دینی را در حرکت به سمت غربی شدن تلقی می کنند.<sup>۳</sup> لذا اگرچه حرکت خود را ابتدا از اصلاح جامعه دینی آغاز می نمایند، اما در نهایت به این نتیجه می رسند که این خود دین است که مانع تحقق آرمان آنها یعنی حرکت جامعه دینی به سمت جامعه مدرن غربی با همان فرهنگ و تمدن است. لذا از اصلاح جامعه دینی به اصلاح دین و نهایتاً به ستیز با اصل دین می پردازند و در این مسیر اگرچه قلب ماهیت شده و از روشنفکر دینی به روشنفکر ضدّ دین تبدیل شده اند، اما همچنان خود را روشنفکر دینی می پندارند یا حد اقل برای تأثیر گذاری بر جامعه دینی این گونه وانمود می کنند.

### 5.1. جریان روشن فکری در ایران

ماجرای روشن فکری در ایران نیز همانند روشن فکری در سایر مناطق جهان اسلام، از تنوع و تکثر هویتی و روشی برخوردار است. در این تحقیق به جهت دانستن جغرافیای پژوهش و نیز رعایت اختصار تنها به ذکر نوعی تقسیم بندی در مورد جریان روشن فکری در ایران بسنده می شود؛ زیرا بحث و بررسی تفصیلی از اقسام و تنوع هویت جریانهای روشن فکری در جهان اسلام، علاوه بر این که توسط محققین و نویسندگان با دیدگاههای

---

1. حمید پارسانیا، انواع و ادوار روشنفکری با نگاه به روشنفکری حوزوی، قم، کتاب فردا، 1391. و نیز ر.ک: سید مهدی موسوی، آیت افسون گری (تحلیل و بررسی زمینه های فکری سرورش و پیدایش حلقه کین)، چاپ اول، قم، نشر اشراق، 1392، ص 22.

2. غلامرضا گودرزی، تجدد نا تمام روشنفکران در ایران، تهران، نشر اختران، 1386، ص 75.

3. جهاندار امیری، روشنفکری دینی، لیبرال یا دین مدار، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1389، ص 65-55.

گوناگون انجام شده است ما را از هدف و مطلوب خود باز می دارد.

پس از ظهور استعمار و سلطه جهان غرب بر جهان اسلام، اندیشمندان مسلمان به فکر چاره و برون رفت از معضلات ناشی از استعمار افتادند. آنان می بایست به دو پرسش اساسی پاسخ می دادند: آیا دین و مذهب می تواند نقطه ثقلی برای توسعه و پیشرفت باشد یا باید به هویت ملی تکیه کرد؟ سوال دوم این بود که برای راه یابی به پیشرفت و توسعه چه باید کرد؟

به این ترتیب در پاسخ به سوال اول دو رویکرد ملی گرایانه و مذهبی به عنوان دو طیف از روشن فکران جهان اسلام، تشکیل شدند و در پاسخ به سوال دوم نیز برخی به گرایش های لیبرالیستی و برخی سوسیالیستی و عده ای به جریان های پست مدرن و برخی نیز به جریان مذهبی علاقمند شدند. روشن فکران در ایران نیز از این تقسیم بندی ها جدا نبودند به گونه ای که آنان را می توان این گونه جریان شناسی کرد:

1. ناسیونالیست های لیبرال
2. ناسیونالیست های سوسیالیست
3. مذهبی های لیبرال
4. مذهبی های سوسیال یا مارکسیست
5. احیا گران مذهبی
6. سنت گرایان منتقد تجد
7. تجددگرایان

به نظر می رسد حلقه کیان در زمره تجدد گرایان جای دارد که اندیشه های آنان متأثر از روش های جدید تحلیل زبانی در پژوهش میراث گذشته است. اینان روش هرمنوتیکی را در نگاه به دین و مطالعه متون دینی سرلوحه خود قرار می دهند. دیدگاه آنان بر اساس مبانی معرفت شناختی لیبرالی، نسبی گرا و پلورالیستی می باشد و فهم دین را فهمی تاریخی مطرح می کنند. در نظر آنان هر چند گوهر دین، قدسی و فراتاریخی است اما معارف دینی مقید به عصر و زمان و برخاسته از علایق اجتماعی است. اعتقاد به مدیریت علمی در مقابل مدیریت فقهی و رویکرد سکولاریستی در دین نیز از دیگر باورهای این گروه شمرده می شود<sup>1</sup>.

---

1. ر. ک: نجف لک زایی، تحولات سیاسی- اجتماعی ایران معاصر، چاپ دوم، قم، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، 1391، صص 336-342 و علی دارابی، جریان شناسی سیاسی در ایران، چاپ اول، تهران، انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، 1388، ص 510. نیز ر. ک: سید مهدی موسوی، آیت افسون گری (تحلیل و

## ب) خاستگاه و فرایند شکل گیری حلقه کیان

### 1. نکاتی درباره حلقه

«حلقه» خطاب کردن هر جمع و انجمنی که مدتی دور همدیگر جمع شده و مباحثی داشته اند، درست به نظر نمی‌رسد. قرار نیست گرد هم آمدن شورای تحریریه در نشریات را حلقه بنامیم که در این صورت همه نشریات، حلقه تلقی می‌شوند. در واقع حلقه، مولفه‌هایی فراتر از دوره‌ها و نشست‌های هیئت تحریریه دارد. مراد از حلقه به معنای خاص آن، گروهی هم فکر و دارای اندیشه هستند که بر اساس یک فلسفه و هدف مشخص گرد هم می‌آیند و به تولید اندیشه و فکر جدید می‌پردازند و از طریق یک رسانه افکار خود را نشر می‌دهند تا در جامعه مورد نقد و بررسی قرار گیرند.

حلقه‌ها را بر اساس اهداف و کار ویژه‌هایی که دارند می‌توان به اقسامی نظیر حلقه‌های فکری، سیاسی و یا حلقه‌های سیاسی - فکری تقسیم کرد. از جمله حلقه‌های معروف در زمینه فکری می‌توان به «حلقه وین» اشاره کرد که طرفدار پوزیتویسم منطقی بودند.

این که حلقه‌های فکری در ایران وجود داشته یا دارند نیازمند پژوهش و بررسی مستقل است. اما در مورد حلقه‌های سیاسی، ماروین زونیس مدعی است در ایران که احزاب سیاسی حضور کم رنگی دارند، گروه‌های سیاسی اغلب در قالب «حلقه» یا «دوره‌ها» گرد هم جمع می‌شوند. نیروهای سیاسی، حلقه‌های سیاسی را تشکیل می‌دهند تا برای دستیابی به مناصب حکومتی راه آسانتری را طی کنند. در این حلقه‌ها آنها علاوه بر آن که می‌توانند اطلاعات و تحلیل‌های خود را مبادله کنند به دلیل منافع مشترکی که پیدا می‌کنند با به قدرت رسیدن فردی از درون حلقه، راه ورود سایر اعضا به مناصب حکومتی نیز هموار می‌شود.<sup>1</sup>

---

1. ماروین زونیس، روانشناسی نخبگان سیاسی ایران، ترجمه پرویز صالحی و دیگران، تهران، 1392، صص 37-60.



سعید حجاریان نیز همانند زونیس معتقد است حزب در ایران جای خود را به «دوره‌ها» داده است. البته وی تأکید دارد که وقتی گفته می‌شود «حلقه» این واژه نباید تداعی کننده «حلقه وین» یا «فرانکفورت» باشد. لذا بهتر است به جای «حلقه» مفاهیمی مانند «محفل»، «دوره» یا «گعده» گفته شود.<sup>1</sup>

آن چه در این تحقیق مورد بررسی قرار می‌گیرد به نوعی حلقه‌ی فکری - سیاسی محسوب می‌شود و کارکردی ترکیبی دارد. همچنین باید توجه داشت که حلقه‌های فکری را باید متناسب با نظریه پردازان اصلی که نقش ایدئولوگ را برعهده دارند، بررسی کرد؛ زیرا اعضای دیگر معمولاً تحت نفوذ اندیشمندان اصلی قرار می‌گیرند. هرچند گاهی میان اعضای یک حلقه به نوعی تقسیم کار شکل می‌گیرد. برخی نظریه پردازان می‌کنند و عده ای نیز در قامت یک نویسنده یا روزنامه نگار در انتشار این تولیدات در جامعه فعالیت می‌کنند و برخی دیگر نیز به عنوان عوامل اجرایی با نفوذ در مناصب حکومتی به این افکار جامعه عمل می‌پوشانند.

## 2. حلقه‌های فکری اصلاحات

برخی تحلیل گران و نویسندگان جریان اصلاحات به سه حلقه فکری «شاگردان دکترسروش»، «مرکز مطالعات استراتژیک» و «کانون فکری - سیاسی» متشکل از برخی دانشجویانی که در دوره سازندگی به کشورهای غربی سفر کردند، اشاره می‌کنند. حمید رضا جلائی پور حلقه کیان را بخشی از حلقه شاگردان سروش به شمار می‌آورد و افرادی چون سعید حجاریان، علی رضا علوی تبار و مجید محمدی را از اعضای مهم حلقه مرکز استراتژیک می‌داند. جلائی پور درباره حلقه سوم نیز می‌نویسد در دوران سازندگی 2500 دانشجو برای اخذ دکترا به کشورهای غربی سفر کردند که برخی از آنها در پاره ای از

---

چاپش، 1387، صص 410-419.

1. «محمد خاتمی و آغاز اصلاحات در گفتگو با سعید حجاریان و مصطفی تاج زاده»، هفته نامه شهروند امروز، مرداد 1378، به نقل از پایگاه اینترنتی شهروند امروز، قابل دسترسی در: <http://archive.is/hc1u>

انجمن‌های اسلامی به صورت «کانون فکری - سیاسی» فعال بودند. او که خود از این دانشجویان است می‌گوید: «سروش در سال 1375 به مدت شش ماه در جلساتی برای برخی از این دانشجویان بورسیه ای مباحثی را مطرح ساخت». جلایی پور از محسن میردامادی و محمد رضا خاتمی به عنوان نمونه یاد می‌کند.<sup>1</sup>

سعید حجاریان نیز ضمن تأکید بر دو حلقه کیان و آیین به عنوان حلقه‌های اصلی جریان اصلاحات به مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری هم اشاره می‌کند. او که در سه حلقه فعالیت داشت، در پی آن بود تا با برگزاری جلساتی با حضور سید محمد خاتمی، سید جواد طباطبایی، عبدالکریم سروش، رضا داوری اردکانی و حسین بشیریه گفتگو برقرار کند که نتیجه آن، پیوند فکری سه حلقه باشد. البته حجاریان با بشیریه هم‌نوایی بیشتری داشت.<sup>2</sup> برخی از پژوهش‌گران نیز معتقدند اطلاق حلقه بر بعضی جمع‌های درون سازمان‌های دولتی بی‌وجه نیست. نظیر حلقه کیان، آیین، سلام، جمع تشکل یافته در مرکز مطالعات استراتژیک ریاست جمهوری یا دانشجویان پیرو خط امام.<sup>3</sup>

از آن جا که وجود حلقه کیان، مورد اتفاق بسیاری از تحلیل‌گران است و از سویی به لحاظ زمانی بر دیگر حلقه‌ها تقدم دارد و پشتوانه فکری مهمی برای جریان اصلاحات بوده است به گونه ای که با جلسات هفتگی خود به طور مرتب و انتشار ماهنامه کیان در طول نه سال، جریان فکری - سیاسی به وجود آورد، بررسی خاستگاه و فرایند شکل‌گیری آن نسبت به حلقات دیگر اولویت دارد.

### 3. فرایند شکل‌گیری حلقه کیان

#### 3.1. پیشینه و خاستگاه حلقه کیان

حلقه‌ی کیان نام جمعی متشکل از تعدادی از نیروهای چپ جمهوری اسلامی بود که

---

1. حمید رضا جلایی پور، جامعه‌شناسی جنبش‌های اجتماعی با تأکید بر جنبش اصلاحی دوم خرداد، تهران، نشر نو، 1381، صص 225-227.

2. «محمد خاتمی و آغاز اصلاحات در گفتگو با سعید حجاریان» هفته‌نامه شهروند امروز، مرداد 1378.

3. کاظم سام دلیری، روشنفکری دینی سکولار، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1393، ص 18.

پس از وانهادن مناصب و موقعیت‌های سیاسی - فرهنگی حکومتی در اواخر دهه‌ی شصت و اوایل دهه‌ی هفتاد گرد هم جمع شدند. برخی افراد این حلقه از پیشینه‌ی فعالیت در مراکز فرهنگی حکومتی مانند مؤسسه کیهان برخوردار بودند و برخی دیگر از آنان از نهادها و سازمانهای سیاسی - امنیتی به این جمع پیوستند. پیشینه حلقه کیان را می‌توان تا مجلات کیهان و کیهان فرهنگی دهه‌ی 1360 و اتفاقاتی که در مؤسسه کیهان رخ داد، امتداد داد.<sup>1</sup>

در سال ۱۳۵۹ رهبر کبیر انقلاب طی حکمی سید محمد خاتمی را به عنوان نماینده خود و سرپرست مؤسسه کیهان منصوب کرد. انتصاب خاتمی به جای دکتر ابراهیم یزدی عضو برجسته نهضت آزادی در مؤسسه کیهان، تغییراتی را در سطوح مختلف از مدیریت تا نویسندگان در پی داشت. از این زمان جوانانی به روزنامه کیهان و ماهنامه کیهان فرهنگی دعوت شدند که از میان آنها نام افرادی همانند ماشاء الله شمس الواعظین، بهروز گرانیپایه، رضا تهرانی، مصطفی رخ صفت و محسن آرمین، بعدها بیشتر شنیده شد.

سال 1361، خاتمی، حسن شاهچراغی را به عنوان مسئول مؤسسه معرفی می‌نماید. ایشان برای انتشار ماهنامه فرهنگی از حسن منتظر قائم و کمال حاج سید جوادی و مصطفی رخ صفت دعوت به همکاری می‌کند. چندی بعد از شهادت مرحوم شاهچراغی، عملاً کیهان فرهنگی در اختیار حاج سید جوادی و رخ صفت قرار گرفت. مدتی بعد حاج سید جوادی به وزارت ارشاد رفت و رخ صفت به تنهایی نشریه را اداره می‌کرد. بعد از شهادت شاهچراغی سید محمد اصغری (که مدتی وزیر دادگستری کابینه شهید رجایی و مهندس موسوی بود) توسط خاتمی به سرپرستی مؤسسه کیهان منصوب می‌شود. اصغری با اعضای شورای سردبیری اختلافاتی پیدا می‌کند تا اینکه در سال 67 مهدی نصیری از سوی محمد اصغری به عنوان سردبیر و مدیرمسئول کیهان انتخاب می‌شود. مهدی نصیری درباره تحولات داخلی مؤسسه کیهان چنین می‌گوید: « [آقای اصغری هم چپ بود] اما واقعا تیم

---

1. سروش معتقد است کیهان فرهنگی را باید پدر و مادر مجله کیان به حساب آورد؛ زیرا کیان مولود کیهان فرهنگی است. «حلقه کیان در گفت و گو با دکتر عبدالکریم سروش»، روزنامه‌ی شرق، 1386/10/25.

سردبیری روزنامه چیزی فراتر از چپ بودند و در واقع و بطن قضیه به نوعی یک اپوزیسیون نسبت به نظام و یا لا اقل بسیاری از ارکان و اصول نظام بودند، چیزی که بعداً در جریان انتشار مجله کیان توسط همین تیم خودش را نشان داد. در همان ایام مقالاتی در صفحه دوم روزنامه به قلم بهروز گرانپایه نوشته می شد که صدای مهندس موسوی نخست وزیر را هم در آورد و اعتراض او موجب تعطیلی آن مقالات برای مدتی شد. اما آقای اصغری از این جنس نبود و البته خود آقای خاتمی هم از این جنس نبود و به نظر من تحلیل عمیقی از این جریان نداشت و الان هم ندارد...البته آقای خاتمی هم گاهی نشانه‌هایی دال بر عدم رضایت کامل نسبت به تیم سردبیری مزبور نشان می داد که گاه در قالب برخی اعتراضهای بسیار تند شفاهی یا کتبی ایشان به برخی مطالب مندرج در روزنامه بروز می کرد. حدود یک ماه پس از رفتن من، کل اعضای سردبیری استعفایشان را نه به آقای اصغری بلکه به آقای خاتمی تقدیم کردند و این نشانه اختلاف حادثشان با آقای اصغری بود. یکی دو هفته بعد هم در کمال ناباوری همه و خود تیم، آقای خاتمی استعفا را پذیرفت و آنها به سردبیری کیهان فرهنگی که مدیر مسئول آن آقای رخ صفت بود، رفتند»<sup>۱</sup>.

پس از آن تهرانی، خانیکی و شمس الواعظین به دلیل سابقه دوستی با رخ صفت و بدون داشتن حکم رسمی به کیهان فرهنگی پیوستند. در واقع از آنجا بود که حلقه کیان به طور مشخص و ابتدایی در کیهان فرهنگی گرد آمدند.<sup>۲</sup>

رخ صفت بر آن است که دلیل خاتمی برای عدم صدور حکم برای وی عدم پایبندی او به ولایت و مشاهده‌ی نشانه‌هایی بود که وی را فاقد صلاحیت و اگذاری مسئولیت رسمی

---

1. مهدی نصیری، «مهدی نصیری از کودتایش - به گفته سید محمد خاتمی - در کیهان می گوید»، در گفت‌وگو با پایگاه خبری مشرق نیوز، 18 تیر 1391، کد خبر 134489.

2. محمد علی معلی، «نمایش فرهنگ؛ گفتگو با حجت الاسلام محمد علی معلی مدیر مسئول کیهان فرهنگی پیرامون پیشینه کیهان فرهنگی»، کیهان فرهنگی، دی و بهمن 1386، ش 255 و 256.

کیهان فرهنگی می نمود. به این ترتیب چند سال کیهان فرهنگی صاحب مدیر مسئول نبود.<sup>1</sup> پیوستن این جمع به کیهان فرهنگی بر غلظت فعالیت‌های روشنفکری کیهان فرهنگی افزود. در همین ایام و از سال 1363 سروش با نگارش مقاله‌ی «غریبان و حسن و قبح شئون و اطوار آنان» به همکاری قلمی با کیهان فرهنگی پرداخت. اما در پایان دهه شصت با بحث انگیز شدن مقالات سروش به ویژه مقاله «قبض و بسط تئوریک شریعت» ماهنامه کیهان با اعتراض‌های فراوانی روبه رو و در نهایت تعطیل شد. سروش در این مقاله در صدد بود تا بر مبنایی هرمنوتیکی - لیبرالیستی، فهم دینی را عصری - تاریخی قلمداد کرده و حجیت آن را زایل کند. محمد قوچانی این مقاله را مانیفستی برای جریان تجدید نظر طلب قلمداد کرده که سرآغاز فعالیت مستقل آنان را نوید می‌دهد.<sup>2</sup> هم فکری مسئولان کیهان فرهنگی با سروش مسبوق به سابقه بود؛ زیرا افرادی مانند تهرانی و رخ صفت در کلاس‌های تدریس او در دانشگاه تربیت مدرس حضور می‌یافتند.

### 3.2. فرایند شکل‌گیری کیان

با اتفاقاتی که در نشریه کیهان فرهنگی رخ داد و منجر به تعطیلی پانزده ماهه آن در خرداد 69 و خروج گروه تجدید نظر طلب از کیهان شد، آنان به دو دسته تقسیم شدند. برخی مانند عباس عبدی و هادی خانیکی به موسوی خوئینی‌ها پیوسته و روزنامه سلام را تأسیس کردند و بعضی دیگر مانند مصطفی رخ صفت، ماشاءالله شمس الواعظین و رضا تهرانی، مجله‌ای با نام کیان منتشر کردند تا با سازماندهی جدید فعالیت تازه‌ای آغاز کنند. انتخاب نام برای این نشریه یکی از دغدغه‌های آنان بود و مدتی برای آن رایزنی شد تا آن که نام کیان که تنها یک «ه» از کیهان کم دارد انتخاب گردید. ماشاءالله شمس الواعظین علت بیرون آمدنش از کیهان را بروز اختلاف نظر میان گروه آنها از یک سو و نمایندگی ولایت فقیه از سوی دیگر می‌داند. وی در این باره می‌گوید: «در سال 1370 کل اکیپ اداره

---

1. مصطفی رخ صفت، «پاسخ به سه پرسش»، دوشنبه 20 آذر 1389، پایگاه خبری روز آنلاین، [www.roozonline.com](http://www.roozonline.com)

2. محمد قوچانی، پدر خوانده و چپ‌های جوان؛ مبارزه برای نقد قدرت، تهران، نشرنی، 1379، ص 14.

کنندگان کیهان فارسی و زن روز از بدنه موسسه کیهان جدا شدند. کیهان به گروه مهدی نصیری و حسین شریعتمداری سپرده نشد بلکه از ما کیهان را گرفتند و از آن پس ما از بخش رسانه‌های عمومی به بخش رسانه‌های خصوصی انتقال یافتیم.<sup>۱</sup> وی در مورد چگونگی شکل گیری کیان می گوید:

بعد از استعفا از کیهان مجموعه یی از دوستان و همکارانم به عرصه تخصصی و مورد علاقه خودشان سوق پیدا کردند. بعضی‌ها همانند جلال رفیع به روزنامه اطلاعات رفتند و هنوز هم در آنجا کار می کنند. گروهی هم ایران را ترک کردند. من، رضا تهرانی و مصطفی رخ صفت هم انتشار کیان را به عهده گرفتیم. آقای رخ صفت امتیاز مجله «کتاب نمون» را داشت که منتشر نشده بود. ما «کتاب نمون» را به «کیان» تغییر نام دادیم. آقای رخ صفت که صاحب امتیاز بودند به کانادا رفتند، آقای تهرانی مدیرمسئول شد و من در ادامه کار سردبیری ام، سردبیر کیان شدم. کیان با هدف فراهم سازی زمینه ورود عقلانیت به حوزه دین شناسی و کلام دینی تاسیس شد. بعدها این مجله به اسم حلقه کیان نام گذاری شد. این مجله در سال ۱۳۷۰ تاسیس شد و من تا زمان تاسیس جامعه در کیان همکاری کردم.<sup>۲</sup>

ماهانامه کیان که ادامه طبیعی راه کیهان فرهنگی بود از سال 70 به مدت 9 سال انتشار یافت و در این مدت 54 شماره منتشر نمود که آخرین شماره آن آبان 1379 بود. در طول این سالها بیشترین شمارگان کیان 20 هزار نسخه بود.

کیان تنها یک نشریه نبود بلکه از این پس محوری برای گردهمایی گروهی از شاگردان و دوستان عبدالکریم سروش بود که دل در گرواندیشه‌های او داشتند.

در کنار این نشریه، حلقه ای شکل گرفت که در آن حلقه، مشاوران یا حلقه فکری

---

1. «شمس الواعظین از سوابق کاری اش و تعطیلی مطبوعات می گوید» روزنامه اعتماد، شماره 1376، 86/2/5.

ص 8.

2. همان.

نخستین کیان گرد هم می آمدند تا پیش از هر شماره، موضوعات و چالش های حوزه دین را با هم در میان بگذارند. این گردهمایی بعدها گعده های چهارشنبه نامیده شد.<sup>۱</sup> لازم به ذکر است که اصطلاح «حلقه کیان» در زمان انتشار نشریه به کار نمی رفت و آنان از اصطلاح «اصحاب کیان» بهره می بردند اما از اواخر دهه 70 اصطلاح «حلقه کیان» رواج یافت.

اعضای این حلقه ترکیبی از نیروهای گوناگون با طیف های مختلف اندیشه ای بودند که از جاهای مختلف دور هم جمع می شدند؛ از جمله این افراد مصطفی رخ صفت، رضا تهرانی، شمس الواعظین و هادی خانیکی از کیهان فرهنگی، حجاریان، عباس عبدی و علوی تبار از مرکز تحقیقات ریاست جمهوری، عمادالدین باقی، فاضل میبدی و محسن کدیور از نزدیکان بیت منتظری، تاج زاده، آرمین و آغاجری از سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، مرتضی مردیها، آرش نراقی، اکبر گنجی، حسین قاضیان، ناصرهادیان، حسن کمالی و سروش دباغ از شاگردان سروش بودند.<sup>۲</sup> علاوه بر اینها افراد دیگری نیز مانند جلالی پور، هادی سمتی، بهروز گرانیپایه و محسن سازگارا به این حلقه پیوستند. همچنین در جلسات این حلقه از افرادی همچون محمد مجتهد شبستری، مصطفی ملکیان، مجتبی شبیری، احمد صدری، محمود صدری، شهلا شرکت، شیرین عبادی و مهرانگیز کار، برای اظهار نظر در حوزه های مختلف دعوت به عمل می آمد.<sup>۳</sup> به نظر محمد قوچانی دایره نفوذ حلقه کیان بیش از این افراد بوده است و حلقه منبسط کیان را باید جمع 107 نفره ای دانست که در دفاع از وی روز بیست و هفتم تیرماه 1374 نامه ای به رئیس جمهور وقت نگاشتند.<sup>۴</sup>

1. شمس الواعظین، درگفت و گو با شهروند امروز، ش 25، 60 آذر 1386.

2. «حلقه کیان در گفت و گو با دکتر سروش»، شهروند امروز، ش 25، 60 آذر 1386.

3. ماشاءالله شمس الواعظین، «دکتر سروش حامی ما بود؛ خاطرات ماشاءالله شمس الواعظین از راه اندازی روزنامه جامعه»: <http://www.islahweb.org/node/1387/08/24>.

4. سید مهدی موسوی، آیت افسون گری (تحلیل و بررسی زمینه های فکری سروش و پیدایش حلقه کیان)، چاپ اول، قم، نشر اشراق، 1392، ص 231، به نقل از: محمد قوچانی، عصر آزادگان، اردیبهشت 1379

عبدالکریم سروش درباره حلقه کیان می گوید:

حلقه کیان دو معنای خاص و عام دارد. معنای عام «حلقه کیان» تمام خوانندگان کیان و علاقمندان به اندیشه‌های مطرح در آن را شامل می‌شود؛ افرادی که در غم‌های کیان شریک بودند. ... حلقه عام کیان، دایره مخاطبانی صد هزار نفری بود. کیان در آخرین شماره‌های خود طی یک همه پرسی سؤالاتی را با خوانندگان در میان گذاشت و مشخص شد که هر نسخه مجله را پنج نفر به طور میانگین مطالعه می‌کنند. حال آن که تیراژ کیان نیز 20 هزار نسخه بود؛ اما حلقه خاص کیان، افرادی بودند که مستقیماً در داخل مؤسسه کیان کار می‌کردند، اعم از سردبیر و هیئت مدیره و پاره ای از نویسندگان مجله.<sup>1</sup>

اعضای حلقه کیان متأثر از سروش و افکار وی بودند و خود را شاگرد وی قلمداد می‌کردند. بدین معنا نوعی رابطه استادی شاگردی میان آنها برقرار بود. سروش اغلب مباحث کیان را در جلسات هفتگی که هر چهارشنبه در دفتر مجله یا خانه یکی از اعضا تشکیل می‌شد، تعیین می‌کرد.<sup>2</sup> مباحث کیان بیشتر حول موضوعات فلسفی، کلامی و فقهی دور میزد و کم تر درگیر مسایل سیاسی روز می‌شد و بیشتر وقت خود را صرف موضوعات کلان نظری کرده بود. البته این بدان معنا نیست که اعضای کیان به مسایل سیاسی روز نمی‌پرداختند، بلکه برخی از اعضای آن رسانه‌های دیگری را برای پرداختن به مباحث سیاسی در نظر داشته و مورد استفاده قرار می‌دادند. حلقه کیان ارتباط خوبی با روزنامه سلام و با نیروهای ملی مذهبی و نهضت آزادی برقرار ساخت به گونه ای که فعالیت مشترکی در عرصه مطبوعات و موضع گیریهای سیاسی در پیش گرفته بودند و بارها به دفاع از یکدیگر اقدام و یا بیانیه‌های مشترکی در امور سیاسی و فرهنگی کشور منتشر

---

1. «حلقه کیان در گفت و گو با دکتر سروش»، شهروند امروز، ش 25، 60، آذر 1386.

2. کاظم سام دلیری، روشنفکری دینی سکولار، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1393، ص 52، به نقل از: مصطفی رخ صفت، 1391، مصاحبه با سایت «سروش میلاد» [www.soroshmilad.com](http://www.soroshmilad.com) :



می کردند.<sup>۱</sup>

شمس الواعظین درباره ورود حلقه کیان به حوزه فعالیت سیاسی می گوید:

پاییز سال 1375 تازه زمزمه ورود آقای خاتمی به عرصه انتخابات شنیده می شد و هنوز حضور ایشان به صورت قطعی مطرح نشده بود. در جلسات پاییز حلقه کیان، مساله امکان حضور یک جریان جدید اصلاح طلب در عرصه سیاست به بحث گذاشته می شد اما بخش قابل توجهی از اعضا نسبت به ورود حلقه کیان به عرصه فعالیت مستقیم سیاسی و جریان های سیاسی تردیدهای جدی داشتند و صریحاً مخالف بودند. در این فضا، آقای سازگارا جرعه راه اندازی یک روزنامه را زدند ولی از آنجایی که بخش قابل توجهی از دوستان حلقه کیان مخالف انتشار یک روزنامه بودند، آرام آرام مباحث مربوط به ورود به عرصه روزنامه نگاری عمومی در خارج از حلقه کیان دنبال شد. این جلسات در دفتری در خیابان کریم خان زند با حضور دکتر سروش، جلایی پور، من و سازگارا برگزار شد تا فضای دموکراتیک جلسات حلقه کیان حفظ شود و این مساله گسست هایی را دامن نزدند. طرف دیگر هم البته معتقد بود که باید آمادگی ها و تئوری هایی خاص براساس نیاز هر مرحله مطرح شود و اگر حرکت روشنفکری دینی که در آغاز به صورت حلقه های حاشیه ای روشنفکری فعالیت کرده، توانایی دنبال کردن گزاره ها و آرمان های

---

1. برای مثال این ماهنامه پس از آزادی عباس عبدی سردبیر روزنامه سلام از زندان در 29 فروردین 73، آزادی او را تبریک می گوید و برای او و سایر همکارانش در روزنامه سلام آرزوی موفقیت می کند (کیان، ش 18، ص 50) و با مدیر و سردبیر کیان، همراه مدیران و سردبیران 4 مجله دیگر در نامه ای خواستار ارائه نشریات در نمایشگاه کتاب می شوند. این افراد عبارتند از: عزت الله سبحانی مدیر مسئول نشریه ایران فردا، شهلا شرکت مدیر مسئول مجله زنان، مصطفی تبریزی سردبیر نشریه فرهنگ توسعه، مراد ثقفی سر دبیر نشریه گفت و گو، رضا تهرانی مدیر مسئول کیان. (کیان، فروردین و اردیبهشت 1374، ش 24، صص 51-52). همچنین کیان همراه چند نشریه یگر از قبیل: ایران فردا، آینه تصویر، تماشاگران، دنیای سخن، زنان، گردون و.. با ارسال نامه ای به رئیس جمهور خواهان پایان دادن به رویه تعطیلی مطبوعات می شوند. یا به دفاع از حشمت اله طبرزدی و نشریه پیام دانشجو و چند نشریه دیگر اقدام می کند. (کیان، ش 26، ص 53)

خود را نداشته باشد ناشی از ضعف و ناتوانی پیکره روشنفکری دینی است.<sup>1</sup>

شمس الواعظین در ادامه بیان می کند تعدادی از دوستان متعلق به جریان روشنفکری دینی به آمادگی حضور این جریان در عرصه مطبوعات عمومی معتقد نبودند و معتقد بودند که یا باید مجله کیان را ارتقا دهیم یا یک مجله تخصصی تر و سیاسی تر تأسیس کنیم و خود را وارد یک مدل آزمون نشده ژورنالیسم سیاسی نکنیم. در رأس این گروه آقای گنجی صحنه گردان و محرک اصلی بود و آقای نراقی، تهرانی و تا حدودی کدیور نیز چنین تفکری داشتند.

او انگیزه خود برای انتشار روزنامه را چنین بیان می کند: «با شناختی که از جامعه داشتیم، در میان سازمان و نهادهایی که قرار بود بار اصلاحات را بر دوش بکشند یک قطعه پازل جا افتاده بود و این قطعه جا افتاده داشتن یک روزنامه و تربیون آزاد و مستقل و بیرون آمده از مقتضیات زمانه برای ارائه راهبردهای حرکت اصلاحات بود. من با این نگاه راه اندازی روزنامه را ضروری می دانستم و در این ضرورت یک مشوق خیلی بزرگ داشتم که بسیار برای او احترام قایل بودم دکتر عبدالکریم سروش و یک مدیر آماده به کار و دارای سابقه مدیریتی به نام آقای سازگارا و یک جلابی پور فارغ التحصیل جامعه شناسی سیاسی از دانشگاه لندن که پای کار بود. من این سه ضلع مهم را به عنوان روزنامه نگاری که در آرزوی انتشار روزنامه به سبک و مدلی آرمانی بود کامل کردم».<sup>2</sup>

حلقه کیان با انتشار دو ماهنامه عملاً فعالیت خود را در دو جبهه آغاز کرد؛ از یک سو با نقد دین و تأکید بر روشنفکری دینی ماهنامه کیان را منتشر کرد و از سویی دیگر با انتشار ماهنامه «زنان» بر موضوع زن متمرکز شد. ماهنامه زنان با مسئولیت شهلا شرکت، منتشر می شد. وی از همکاران سابق اعضای کیان در «کیهان» و «زن روز» بود. این ماهنامه نیز با محور قرار دادن حقوق غربی زنان و با نگاهی فمینیستی به مسأله زن، مقالات چالشی

---

1. خاطرات ماشاءالله شمس الواعظین از راه اندازی روزنامه جامعه، پایگاه اطلاع رسانی اصلاح،

<http://www.islahweb.org/node/1387/08/24>

2. همان.

خود را به چاپ می‌رساند.

با توجه به رویه کیان به نظر می‌رسد هدف اولیه کیان تغییر اذهان مخاطبان جهت ایجاد آمادگی برای تغییرات اجتماعی بوده است؛ زیرا تغییرات اجتماعی را متفرع بر تغییرات فکری و ذهنی جامعه می‌دانستند. لذا می‌توان گفت هدف بلند مدت حلقه کیان، هدفی سیاسی و رسیدن به قدرت بوده است. این مطلب از خاطرات شمس الواعظین در راه اندازی روزنامه جامعه نیز قابل برداشت است. البته فعالیت ژورنالیستی اعضای کیان در سالهای اصلاحات بر کسی پوشیده نیست. آنان پس از تعطیل شدن روزنامه جامعه، روزنامه توس را راه انداختند. سپس روزنامه نشاط و عصر آزادگان و بدین ترتیب با بسته شدن هر روزنامه، روزنامه دیگری را جایگزین پیشین می‌ساختند تا ایدئولوژی خود را هر روز با شکل و شمایل جدیدی میان طبقات مختلف مردم گسترش دهند.

چنان که روشن است اعضای کیان در همه مباحث یکسان نمی‌اندیشیدند. اما در اصول و برخی ویژگی‌ها اشتراک نظر داشتند و آن را «گشودن راه تازه ای در روشنفکری دینی» می‌دانستند. از ویژگی‌های بارز حلقه کیان تمایل به تئوری پردازی در پدیده ای اجتماعی، سیاسی و فرهنگی بود. ایدئولوژی حلقه کیان که در نقد ایدئولوژی حاکم به کار می‌رفت، در تبیین پدیده‌ها و تئوری پردازیها تلاش می‌کرد آن را به نوعی به باورهای دینی و حکومت دینی نسبت دهد. به عنوان نمونه کیان در دوران سازندگی که بیشتر عمر خود را در آن گذرانده است از منتقدان دولت به شمار می‌آمد و معتقد بود دولت، فرهنگ را به فراموشی سپرده است و در نقد آن می‌نویسد: «ما از کدامین توسعه اقتصادی و سیاسی مطلوب نام می‌بریم، در حالی که پیش برنده و تقویت کننده‌ی این دو مقوله یعنی عامل فرهنگی مغفول مانده است؟... با تأسف باید گفت که در این کشور حقانیت و مشروعیت همه چیز به اشخاص بستگی دارد. به عبارت دیگر، اگر مدیریت اجرایی امور فرهنگی کشور به دست مدیریت اقتصادی و سیاسی سپرده می‌شد، ماهیت و شکل برخوردها به

دلیل قدرت نافذ و اختیار آن مدیر در منظومه مدیریت کشور تغییر می کرد»<sup>1</sup>.

از سویی حلقه کیان موضوع خود را دین قرار داده بود و در صدد شناخت نسبت آن با دنیای جدید و محصولات آن مانند آزادی، سیاست و حقوق بشر بود. از این رو اعضای کیان نام خود را روشنفکر دینی نهادند. موضوعات مربوط به حوزه دین و معرفت شناسی دینی در هر جلسه توسط سروش مطرح و با میدان داری وی بحث می شد. نتایج جلسات به شکل مقالات مرتبط در کیان چاپ می شد. یکی دیگر از دغدغه های کیان توجه به نقش فقه در اجتماع بود به طوری که بررسی نقش فقه در اجتماع تحت عنوان «آیا فقه ممکن است؟» تا مدت ها موضوع مباحثات کیان را تشکیل می داد.<sup>2</sup>

یکی از ویژگی های حلقه کیان تجدید نظر طلبی و دگر دینی فکری بود. هر چند به نظر می رسد برخی اعضای این حلقه از ابتدا ساختار فکری موافقی با اهداف کیان داشتند ولی روشن است که برخی اعضای آن با پیوستن به این حلقه و تحت تأثیر افکار القا شده در این جلسات به سمت گرایشاتی مخالف با آن چه در قبل بودند، روان شدند. کیان تجدید نظر طلبی و یا استحال خود را در عذر خواهی از نهضت آزادی در بهار 72 به وضوح نشان داد؛ زیرا زمانی، اکثر اعضای کیان سر ناسازگاری با بازرگان و دولتش داشتند و با نگاهی تحقیر آمیز به بینش ها و روش های لیبرالی او می نگریستند و در روزنامه کیهان در دهه شصت علیه او موضع گیری می کردند. اما کیان در شماره یازده خود گزارش خود را به گفت و گو با مهندس مهدی بازرگان اختصاص داد و در آغاز این گفت و گو ضمن اشاره ای مثبت به کارنامه اجتماعی بازرگان چنین نوشت: «بسیاری از افراد به ویژه نسل جوان که در مقاطعی از شور و حرارت انقلابی خود بی محابا بر خط مشی مهندس بازرگان می تاختند اینک و پس از فرو نشستن شعله های درونی و گذر از تندیهای آتشین و نیز پس از روشن شدن سمت و سوی تحولات اجتماعی می کوشند تا از او حلالیت بطلبند»<sup>3</sup>.

1. ماشاالله شمس الواعظین، «توسعه فرهنگی؟»، کیان، آذر 1370، ش 2، ص 3.

2. «حلقه کیان در گفت و گو با دکتر عبدالکریم سروش»، روزنامه شرق، 1386/10/25.

3. ماهنامه کیان، ش 11، فروردین و اردیبهشت 72، ص 2.

البته این مصاحبه پس از تجدید نظری بود که بازرگان در نگرش خود به ماهیت دین و اندیشه سیاسی انجام داده بود و ضمن نفی رسالت انبیا در باب حکومت بیان کرده بود: «ابلاغ پیام‌ها و انجام کارهای اصلاحی و تکمیلی دنیا در سطح مردم، دور از شأن خدای خالق انسان و جهان است».<sup>۱</sup> سرورش نیز در جلسات عمومی نظرات اخیر بازرگان را مطرح و موجبات اقبال دوباره به اندیشه اخیر بازرگان در باب سکولاریسم را فراهم آورد و پس از فوت بازرگان، یکی از سخنرانان اصلی مراسم ترحیم وی بود و خطابه خویش را در تجلیل از اندیشه وی با عنوان «آنکه به نام بازرگان بود نه به صفت» ارائه کرد.

در مجموع آن گونه که برخی پژوهش‌گران نیز بیان کرده اند می‌توان گفت حلقه کیان سه هدف کلان برای خود متصور بود: یکی، تأثیرگذاری بر ذهن مخاطبان برای تغییر افکار و باورها؛ دوم، تغییر رفتار مخاطبان و سوم، تغییر ساختارهای سیاسی - اجتماعی.<sup>۲</sup> پس از آشنایی اجمالی با حلقه کیان و نحوه شکل‌گیری و برخی ویژگی‌های آن، نوشتار حاضر بر آن است در فصول آینده با بازشناسی مطالب مطرح شده در نشریه کیان در طول 9 سال انتشار آن، نظام فکری و یا به تعبیری ایدئولوژی التقاطی برآمده از حلقه کیان را مشخص نماید.

## ج. جمع بندی و نتیجه گیری فصل اول

حلقه کیان نام جمعی متشکل از تعدادی از نیروهای چپ جمهوری اسلامی بود که در اواخر دهه‌ی شصت و اوایل دهه‌ی هفتاد گرد هم جمع شدند. اینان مجله ای با نام کیان منتشر کردند تا با سازماندهی جدید فعالیت تازه ای آغاز کنند. این جریان با فاصله گرفتن از نیروهای اسلامی و مذهبی و با تأثیر از گرایش لیبرالیستی در دهه دوم انقلاب، دگرگونی فکری در ساحت باور یافت و در بستر عمل‌گروها و احزاب، سیاسی نقش بسیار فعالی ایفا کرد. گزاف نیست اگر گفته شود در ابتدا «حلقه کیان» با محوریت اندیشه‌های امثال

1. مهدی بازرگان، «خدا و آخرت، هدف بعثت انبیا»، کیان، ش 2، ص 46-61.

2. کاظم سام دلیری، روشنفکری دینی سکولار، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1393، ص 56.

سروش و شبستری تنها برای خود یک مأموریت قائل بود، آن هم بحث راجع به مبانی معرفت دینی بود. دو محور اصلی گفتمان این حلقه عبارت بود از: قبض دین حداکثری و بسط دین حداقلی. که در فصول آینده درباره آن سخن خواهیم گفت. تجدید نظر طلبی این جریان در ساحت باور معلول اتکا و ابتدای نظرات آنها بر عقاید و ارزش‌های غربی است.